

به سوی رویکردی آرمانی در حفاظت و توسعه منظر شهری تاریخی

پرستو عشرتی* سمیه فدائی نژاد**

چکیده

چالش حفاظت و توسعه، یکی از اصلی‌ترین چالش‌های پیش روی شهرهای تاریخی است که هم‌گام با پیشرفت دانش حفاظت و بسط مفاهیم مرتبط با آن، وجوه جدیدتر و گسترده‌تری به خود می‌گیرد. این مقاله در پی پاسخ به این پرسش است که رویکرد کل‌نگر منظر شهری تاریخی چگونه می‌تواند در حل چالش حفاظت و توسعه در شهرهای واجد ارزش تاریخی مؤثر واقع گردد؟ آیا الگوی فعلی حفاظت و توسعه یکپارچه می‌تواند پاسخگو باشد یا نیاز به الگویی است که بتواند به خلأها و نقاط ضعف الگوی فعلی پاسخگو باشد؟ برای این منظور، نخست مفهوم منظر شهری تاریخی به مثابه رویکردی نوین در حفاظت از میراث شهری مورد واکاوی قرار می‌گیرد، پس از آن جایگاه مفهوم مدیریت تغییر در رویکرد یکپارچه حفاظت و توسعه تبیین و ضرورت تعریف یک الگوی انتقال در راستای رفع کاستی‌های آن آشکار می‌گردد. بر این اساس، سیر تحول رویکردهای حفاظت و توسعه در دو مرحله اصلی رویکرد مجزا و رویکرد یکپارچه دسته‌بندی می‌شود، سپس رویکرد آرمانی به عنوان رویکردی جامع که با بهره‌گیری از مفهوم مدیریت تغییر و با عبور از فیلتر خودپالای فرهنگی مردمان بومی، امکان متعادل‌سازی رویکردهای حفاظت و توسعه را فراهم می‌سازد، معرفی می‌گردد. الگوی انتقال پیشنهادی این مقاله با بهره‌گیری از مؤلفه‌های انعطاف‌پذیری، پویایی و فرآیندنگری در تعریف فیلتر خودپالای فرهنگی شکل گرفته است و زمینه لازم را در حرکت به سوی رویکردی آرمانی که به واسطه آن، رویکردهای حفاظت و توسعه به صورت یک اقدام واحد در حد اعلای انطباق و سازگاری خواهند بود، سوق می‌دهد.

کلید واژه‌ها: منظر شهری تاریخی، حفاظت و توسعه، الگوی انتقال، مدیریت تغییر، فیلتر خودپالای فرهنگی

مقدمه

رویکرد منظر شهری تاریخی، رویکردی نوین نسبت به میراث شهری است که با تهیه پیش‌نویس توصیه‌نامه منظر شهری تاریخی یونسکو در نوامبر سال ۲۰۱۱ م. جایگاه ویژه‌ای در نظریه‌های حفاظت میراث شهری یافته است (Recommendation on the Historic Urban Landscape, 2011). تفکر معاصر پیرامون حفاظت میراث شهری نیازمند ارزیابی چالش‌های تاریخی میان حفاظت و توسعه در نظریه و عمل است. این مسأله در واقع همان موضوعی است که رویکرد منظر شهری تاریخی قصد دارد در دهه‌های آینده به آن بپردازد (Bandarin et al, 2012: 175). با نظر به در حال توسعه بودن ایران که کشوری است با پیشینه تاریخی ارزشمند، چالش حفاظت و توسعه در شهرهای تاریخی یکی از مسائل مهم روبه‌روی برنامه‌ریزان، طراحان و حفاظت‌گران شهری است. چنان‌که بررسی به‌عمل آمده در پژوهش ابویی و جعفری قوام‌آبادی (۱۳۹۳) نشان می‌دهد قوانین، ضوابط و مقررات شهرسازی در سطح ملی نتوانسته است در حل این چالش‌ها و بهبود منظر شهری در شهرهای تاریخی ایران به‌طور کامل مؤثر واقع گردد. در حال حاضر رویکرد حفاظت و توسعه یکپارچه، متأخرترین رویکرد در این زمینه به‌شمار می‌آید که با تکیه بر مفهوم مدیریت تغییر مبتنی بر اهمیت معنایی مکان، سعی در برقراری تعادل میان رویکردهای حفاظت و توسعه دارد؛ با این حال این رویکرد در پوشش‌دادن تمامی لایه‌های شهر تاریخی که موجودی پویا و زنده هست نتوانسته کاملاً موفق عمل نماید. مقاله حاضر در پی این هدف است که با طرح رویکرد آرمانی، نقاط ضعف رویکرد حفاظت و توسعه یکپارچه را پوشش دهد و از رویکرد متأخر یکپارچه فراتر رفته و فرهنگ مردمان بومی در هر بستر و مکانی را عامل بنیادین در متعادل‌سازی رویکردهای حفاظت و توسعه به‌صورت متوازن و سازگار بیان نماید. طرح رویکرد آرمانی به‌مثابه رویکردی جامع و نوین در راستای برآورده‌ساختن ناکارآمدی رویکرد حال حاضر که همان رویکرد یکپارچه نامیده می‌شود، با تکیه و بهره‌گیری از الگوی انتقال صورت می‌گیرد. برای رسیدن به این هدف، سیر تحول رویکردهای حفاظت و توسعه و نیز رویکرد منظر شهری در راستای رسیدن به الگوی انتقال موردبررسی قرار می‌گیرد.

پیشینه تحقیق

شهر به‌عنوان میراث فرهنگی به‌دفعات در اسناد بین‌المللی حفاظت مورد توجه قرار گرفته است، با این حال منظر شهری تاریخی به‌مثابه نگاهی جامع به شهر برای نخستین بار در

کنفرانس وین در سال ۲۰۰۵ م. طرح گردید. باندیرین^۱ و ون‌اوترز^۲ معتقدند وجود شکاف در موردتوجه قرار دادن شهرهای تاریخی در معیارها و دستورالعمل‌های منظر فرهنگی در کنوانسیون میراث فرهنگی و طبیعی جهان که از سال ۱۹۹۲ م. در مرکز میراث جهانی یونسکو معتبر است، از جمله عواملی است که زمینه‌ساز طرح موضوع منظر شهری تاریخی در این مرکز گردید، چرا که بر اساس مقاله شماره یک از کنوانسیون میراث جهانی، بخشی از میراث شهری هنوز هم تحت عنوان گروه ساختمان‌ها یعنی مجموعه‌ای جدا از هم از ساختمان‌ها که به‌دلیل هم‌سازی مکان آنها با منظر از نظر تاریخ، هنر و علم دارای ارزش برجسته جهانی است، به ثبت می‌رسند (Bandarin et al, 2005: 53). به این ترتیب از سوی کارگروه میراث جهانی از ۱۲ تا ۱۴ می سال ۲۰۰۵ م. در شهر وین، ۶۰۰ متخصص از ۵۵ کشور در کنفرانس «میراث و معماری معاصر، شناخت منظر شهری تاریخی»^۳ به بررسی ۷۰ نمونه موردی که شامل ساختمان‌های بلندمرتبه و مداخلات معاصر معماری در شهرهای تاریخی و منظرهای شهری با ارزش میراثی بودند، پرداختند. هر چند موضوع طراحی معاصر در شهرهای تاریخی، موضوع جدیدی نبوده و پیش از آن نیز اسناد متعددی از جمله معاهده کیوتو مصوب ۱۹۶۷ م.، بیانیه بوداپست مصوب ۱۹۷۲ م.، کنگره آمستردام مصوب ۱۹۷۵ م.، منشور میراث معماری اروپا مصوب ۱۹۷۵ م.، بیانیه روتنبرگ مصوب ۱۹۷۵ م.، منشور واشنگتن مصوب ۱۹۸۷ م.، منشور بورا مصوب ۱۹۹۹ م.، بیانیه شیان مصوب ۲۰۰۵ م. و اصول والتا مصوب ۲۰۱۱ م. به آن پرداخته‌اند و در منابع داخلی و خارجی متعددی از جمله کتب «معماری زمینه‌گرا، سازگاری ساختمان‌های جدید با قدیم» (برواین، ۱۹۸۰)، «ساختارهای جدید در محیط‌های تاریخی» (قدیری، ۱۳۸۵)، «منظر شهری تاریخی مدیریت میراث در یک قرن شهری» (Bandarin et al, 2012)، «زمینه: ساختمان‌های جدید در بستر تاریخی» نوشته وارن، ورتینگ‌تون و تیلور در سال ۱۹۹۸ م. (به‌نقل از شاه‌تیموری و مظاہریان، ۱۳۹۱) و نیز کتاب متأخر «بناهای میان‌افزا در بافت‌های تاریخی، مبانی طراحی و معیارهای ارزیابی» (مسعود و دیگران، ۱۳۹۲) موردتوجه قرار گرفته است، اما در این کنفرانس با نگاهی نسبتاً جدید و کل‌نگر به این موضوع پرداخته شد. به این ترتیب، ضرورت تهیه یک راهنمای مدیریتی برای حفاظت منظر شهری تاریخی و تکمیل منشورها و توصیه‌نامه‌های بین‌المللی مرتبط، مورد تأکید قرار گرفت؛ «یادداشت وین»^۴ ماحصل این کنفرانس است.^۵



پی تهیه توصیه‌نامه‌ای برای منظر شهری تاریخی بوده است تا از این رهگذر خلأهای موجود در راهنمای اجرایی کنوانسیون میراث جهانی را پوشش دهد. به این ترتیب در سال ۲۰۱۱ پیش‌نویس این توصیه‌نامه که نظرات مکتوب تمامی کشورهای عضو در آن لحاظ گردیده بود، ارائه گردید. بر این اساس، رویکردی جامع و یکپارچه برای شناسایی، ارزیابی، حفاظت و مدیریت از منظرهای شهری تاریخی در درون چارچوب توسعه پایدار فراهم آمده است (Recommendation on the Historic Urban Landscape, 2011). باندترین و ون اوئرز، منظر شهری تاریخی را مفهومی شامل لایه‌بندی از ارزش‌ها و اهمیت معنایی در شهرهای تاریخی معرفی می‌کنند که توسط جوامع مختلف در بسترهای گوناگون در طول زمان تنه‌نشست یافته است (Bandarin et al, 2014: 181).

پس از این توصیه‌نامه، در سال ۲۰۱۲ نشست تخصصی در چین با موضوع «کاربست رویکرد منظر شهری تاریخی در چین» به مباحث کلیدی چون تعریف منظر شهری تاریخی، وجوه سه‌گانه رویکرد منظر شهری تاریخی شامل: مدیریت تغییر، بهبود شرایط زندگی برای جوامع محلی و نیز توسعه ابزارهای کاربرد منظر شهری تاریخی پرداخت (Application of HUL Approach in China, 2012). یک سال پس از آن نیز «بیانیه ساوانا» با تأکید بر مشارکت چندوجهی، رویکرد بین‌رشته‌ای، چارچوب یکپارچه جامع‌نگر سکونتگاه‌های انسانی و بسترهای طبیعی، بررسی مجدد سامانه‌های جاری در مناطق تاریخی که ممکن است با الگوی منظر شهری تاریخی قابل‌بالایش باشند و نیز جامع‌نگری و یکپارچگی گذشته و آینده منتشر گردید (Savannah Declaration, 2013).

هم‌زمان با پیشرفت مفهوم منظر شهری تاریخی در مقیاس بین‌المللی و برگزاری نشست‌های منطقه‌ای در ایران نیز ادبیات موضوع در محافل علمی مورد بررسی و نقد قرار گرفت که از آن جمله می‌توان به توسعه چارچوب نظری مفهوم منظر فرهنگی با تأکید بر حفاظت منظر شهری تاریخی اصفهان (عشرتی، ۱۳۹۱) و کاربرد رویکرد منظر شهری تاریخی در بازساخت سازمان فضایی شهر اصفهان مبتنی بر هندسه راه‌ها و فضاهای باز در دوره صفوی (کیانی ده کیانی، ۱۳۹۴) اشاره نمود.

در تمامی این تحقیقات و اسناد، رویکرد منظر شهری تاریخی به‌عنوان رویکردی نوین در شناخت و مدیریت کل‌نگر محدوده‌های واجد ارزش شهری (عشرتی و فدائی‌نژاد، ۱۳۹۴) و راهکاری جهت حفظ کیفیت محیط زیست انسان، افزایش بهره‌برداری کارا و استفاده پایدار از فضاهای شهری در عین

تعریفی که در این یادداشت از مفهوم منظر شهری تاریخی ارائه گردیده از این قرار است: «منظر شهری تاریخی، دسته‌ای است از هر گونه ساختمان، سازه و فضاهای باز در بستر طبیعی و زیست‌محیطی آنها، شامل محوطه‌های باستان‌شناختی که شامل سکونتگاه‌های انسانی در یک محیط شهری در یک دوره زمانی خاص می‌گردد و دارای یکپارچگی و ارزش شناخته‌شده از لحاظ باستان‌شناسی، معماری، ماقبل تاریخ، تاریخی، علمی، زیبایی‌شناسی، فرهنگی-اجتماعی یا بوم‌شناختی است» (Vienna Memorandum, 2005, Article 7). در این منشور، شناسایی طبیعت دینامیک و شهرهای تاریخی زنده در مواجهه با یادمان‌ها و مجموعه‌های تاریخی ایستا، یک اصل به‌شمار می‌رود. این سند با اتکا قراردادن رویکرد منظر شهری تاریخی با نگاهی جامع‌تر، مفهوم میراث شهری و لایه‌های ارزشمند شهر تاریخی را مورد توجه قرار می‌دهد. به‌علاوه، ون اوئرز در مجموعه مقالات شماره ۲۷ مرکز میراث جهانی که توسط یونسکو منتشر گردیده است، منظر شهری تاریخی را مفهومی دربردارنده لایه‌هایی از اهمیت معنایی نمادین، میراث ناملموس، انواع ارزش‌ها و هم‌چنین دانش محلی شامل شیوه‌های ساخت‌وساز بومی و مدیریت منابع طبیعی بیان می‌کند که همگی این عناصر و مؤلفه‌ها در ترکیب کلی منظر شهری تاریخی با یکدیگر مرتبط هستند و ظرفیت ذاتی این مفهوم را برای ایجاد تغییر از مزیت‌های آن معرفی می‌کند (Van Oers, 2010: 14).

در ادامه کنفرانس وین، در سال ۲۰۰۶ «بیانیه بیت‌المقدس» به طرح موضوع شناخت و درک جامع از منظر شهری تاریخی و مدیریت آن و نیز توسعه ابزارهای موجود و خلق ابزارهای جدید پرداخت (Declaration of Jerusalem, 2006). هم‌چنین «سمینار منطقه‌ای منظر شهری تاریخی در اروپای شرقی و مرکزی» در سال ۲۰۰۷ به مقوله مدیریت و حفاظت از مراکز شهرهای تاریخی ثبت‌شده در فهرست میراث جهانی، نسبت منظر شهری تاریخی و منظر فرهنگی و نیز ابزارهای پاسداشت منظر شهری تاریخی پرداخت (Regional Seminar on HUL in Central and Eastern Europe, 2007). «توصیه‌نامه زنگبار درباره کاربرد مفهوم منظر شهری تاریخی در بسترهای آفریقایی» یکی دیگر از اسناد معتبری است که به مقوله‌های مدیریت و حفاظت از مراکز شهرهای تاریخی ثبت‌شده در فهرست میراث جهانی، نسبت منظر شهری تاریخی و منظر فرهنگی و ابزارهای پاسداشت منظر شهری تاریخی می‌پردازد (Zanzibar Recommendation, 2009). هم‌زمان با این تلاش‌های منطقه‌ای، از سال ۲۰۰۶ م. یعنی یک سال پس از کنفرانس وین، مرکز میراث جهانی یونسکو در

پذیرش ویژگی پویایی آن و تقویت تنوع اجتماعی و عملکردی، مورد توجه قرار گرفته است. این رویکرد، اهداف «حفاظت» میراث شهری و «توسعه» را ادغام می‌کند و ریشه در یک رابطه متوازن و پایدار بین محیط شهری و طبیعی و همچنین بین نیازهای نسل‌های کنونی و آینده و میراثی که از گذشتگان باقی مانده است، دارد.

این رابطه متوازن و پایدار بین محیط شهری و طبیعی و نیازهای نسل‌های مختلف در اسناد میراث انگلیس این گونه مورد توجه قرار می‌گیرد: «محیط‌های تاریخی باید به منظور حفظ منافع نسل‌های حال و آینده پایدار بمانند؛ هر نسل باید به سهم خود در شکل‌گیری محیط تاریخی نقش داشته باشد و با روش‌های گوناگون از آن بهره‌برداری کند به شرط آن که به حقوق نسل‌های آینده به منظور بهره‌برداری از محیط تاریخی احترام بگذارد» (English Heritage, 2008: 19). بازنده‌سازی میراث شهری تاریخی نیازمند اقدامات حفاظتی و توسعه‌ای به صورت توأمان، جامع و یکپارچه‌نگر است. از این رو، ضرورت دستیابی به رویکرد و مبنایی برای قضاوت عادلانه در فرآیند تصمیم‌سازی حفاظت و توسعه دیده می‌شود. برای این منظور، بر مبنای آنچه از مقایسه نظریه‌های جاری و اقدامات تجربی حفاظت و توسعه در حوزه میراث شهری حاصل می‌گردد، می‌توان ریشه برخی از چالش‌ها را در رویکردهای سنتی حفاظت و توسعه جستجو کرد که از یک سو بیانگر شکست دیدگاه‌های موزه‌ای، منفعل و محافظه‌کارانه حفاظت‌گران شهری و به طور کلی نادیده‌انگاشتن پویایی شهر در نظریه‌ها و اقدامات حفاظتی است و از دیگر سو، مداخلات کلان مقیاس و یکباره توسعه‌گران با نیت اقتصادی و سیاسی در بستر فرهنگی و طبیعی شهرها به گونه‌ای است که بستر تاریخی، امکان تطبیق و قابلیت انعطاف‌پذیری در برابر تغییرات جدید را نخواهد یافت. هر چند که تغییر شیوه زیست مردم و تأمین نیازهای معاصر شهروندان به ناگزیر سبب تغییر منظر شهری تاریخی می‌گردد، لکن موضوع مهم در این زمینه مدیریت و تعیین محدوده تغییرات است.

از این رو، ضرورت فائق آمدن بر شکست‌های ناشی از رویکردهای صرفاً محافظه‌کارانه منفعل و توسعه‌ای لجام‌گسیخته به واسطه‌ی تحقق رویکرد حفاظت و توسعه جامع و یکپارچه‌نگر در دهه‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است. بازخوانی و واکاوی متون مرتبط با مفهوم حفاظت در دهه‌های اخیر بیانگر آن است که مفهوم نوین حفاظت به معنای «مدیریت تغییر»^۶ به صورت گسترده‌ای در فرآیند سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی محیط‌های شهری تاریخی مورد توجه قرار گرفته است. از این رو، باندترین و ون‌اوترز (۲۰۱۲: ۱۹۲) موضوع «انتقال الگو»های

سنتی حفاظت به مدیریت تغییر را نشانگر تلاش‌های زیادی می‌دانند که در راستای تعیین الگوها و فرآیندهای جدید در حال انجام هستند. در این زمینه، برخی از کمیته‌های ملی ایکوموس مانند ایکوموس استرالیا، ایکوموس نیوزیلند و برخی سازمان‌ها از جمله میراث انگلستان و بسیاری دیگر از نمایندگی‌های دولتی و غیردولتی، سیاست‌هایی را بر مبنای مفهوم مدیریت تغییر به منظور تحقق چارچوب حفاظت جامع، یکپارچه و پایدار تدوین کرده‌اند و از روش‌های برنامه‌ریزی ارزش مبنای مبتنی بر حفظ و ارتقاء «اهمیت معنایی»^۷ مکان در فرآیند سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی حفاظت استفاده نموده‌اند. از مهم‌ترین اسناد بین‌المللی مرتبط با اهمیت مفهوم مدیریت تغییر می‌توان به منشور نهایی بورا (Burra Charter, 1999)، بیانیه شیان (Declaration of Xi'an, 2005) و سند میراث انگلستان^۸ در سال ۲۰۰۸ م. تحت عنوان «اصول حفاظت، سیاست‌ها و راهبردهایی برای مدیریت پایدار محیط‌های تاریخی»^۹ اشاره نمود.

منشور بورا، مفهوم مدیریت تغییر و کنترل توسعه‌های جدید بر مبنای اهمیت معنایی مکان را مورد اشاره قرار می‌دهد؛ در ادامه بیانیه شیان، اصولی به منظور مدیریت تغییر و کنترل گردشگری در کشورهای آسیایی مطرح می‌نماید. هم‌چنین سند میراث انگلستان (۲۰۰۸ م.) «مفهوم حفاظت را تحت عنوان فرآیند مدیریت تغییر یک مکان ارزشمند و با اهمیت در بستر و بافت شهری بیان نموده است؛ به نحوی که ارزش‌های میراثی آن به بهترین شکل پایدار بماند، در حالی که فرصت‌هایی به منظور شناسایی و غنابخشیدن به ارزش‌ها برای نسل‌های حال و آینده وجود دارد» (English Heritage, 2008: 7). دو سند دیگر از مجموعه اسناد منتشره میراث انگلستان در سال ۲۰۱۰ م. با عنوان «درک مکان، ارزیابی و سنجش مکان تاریخی: بررسی اصول و اقدامات عملی»^{۱۰} و «درک مکان، ارزیابی و سنجش مکان تاریخی در بستر برنامه‌ریزی و توسعه»^{۱۱} نیز موضوع درک و شناخت اهمیت معنایی مکان و توجه به نقش اهمیت معنایی مکان به منظور مدیریت تغییرات و توسعه را مدنظر قرار داده‌اند (English Heritage, 2010a & 2010b).

علاوه بر اسناد بالا می‌توان به بیانیه هانگرو مصوب سال ۲۰۱۳ م. پیرامون «قرار گرفتن فرهنگ در قلب سیاست‌های توسعه پایدار» اشاره نمود که ضرورت یکپارچه‌سازی فرهنگ با همه سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه، ضرورت احترام به فرهنگ برای توسعه اجتماعی فراگیر، بهره‌گیری از فرهنگ برای کاهش فقر و توسعه اقتصادی فراگیر، ساخت‌وساز بر پایه فرهنگ به منظور ارتقای پایداری محیطی، صیانت و انتقال

ذکر است که در روش کیفی، متغیرها به راحتی قابل اندازه‌گیری نیستند و مشخص نیستند (حیدری، ۱۳۹۳: ۲۴۳). این مقاله با بهره‌گیری از راهبرد استدلال منطقی و تکنیک «تحلیل محتوا» و «استنتاج منطقی» تلاش دارد تا ضمن بازخوانی مکتوبات معتبر ملی و بین‌المللی و نظریه‌ها، به واکاوی محتوایی آنها بپردازد. به علاوه، ابزار مورد استفاده در این روش، منطق است که برای توضیح و تفسیر داده‌ها به کار گرفته می‌شود. انتخاب هر طرح تحقیق خاص، تابع مفروضات شخصی محقق از ماهیت واقعیت‌ها و چگونگی درک آنها است. این مفروضات، سامانه جستجوی تحقیق یا الگوی ذهنی نامیده می‌شود (گروت و همکاران، ۱۳۸۴: ۲۱). در این مقاله برای هدایت پرسش مطرح‌شده در زمینه حفاظت و توسعه منظر شهری تاریخی در راستای رفع کاستی‌های رویکرد متأخر حفاظت و توسعه یکپارچه، مدل توماس کوهن^{۱۲} درباره مفهوم یک الگو^{۱۳} و تغییر الگوها به کار بسته می‌شود.

بر اساس ایده کوهن، الگو آن چیزی است که اعضای یک جامعه علمی با هم و هر کدام به تنهایی در آن سهیم هستند؛ مجموعه‌ای از مفروضات، مفاهیم، ارزش‌ها و تجربیات که روشی را برای مشاهده واقعیت جامعه‌ای که در آن سهیم هستند (به‌ویژه در نظمی روشنفکرانه) ارائه می‌کند. بر اساس ایده کوهن، الگو، اصطلاح جامعی است که همه مقبولات کارگزاران یک رشته علمی را در بر می‌گیرد و چارچوبی را فراهم می‌سازد که دانشمندان برای حل مسائل علمی در آن محدوده استدلال کنند. کوهن معتقد است الگوی یک علم تا مدت‌های مدید تغییر نمی‌کند و دانشمندان در چارچوب مفهومی آن سرگرم کار خویش هستند، اما دیر یا زود بحرانی پیش می‌آید که الگو را در هم می‌شکند و دگرگونی علمی به وجود می‌آید که پس از مدتی الگوی جدیدی به وجود می‌آورد و دوره‌ای جدید از علم آغاز می‌شود (Kuhn, 1970: 175). کوهن در توضیح الگو، واژه علوم نرمال^{۱۴} را به کار می‌گیرد. بر این اساس، فعالیت‌های یکنواختی که چالش برانگیز نبوده و تلاشی در جهت آزمون مفروضات (انگاره‌های) علم ندارد و در چارچوب هر الگو به توسعه و تکمیل آن علم کمک می‌کند، علوم نرمال خوانده می‌شود. کوهن این شکل از علم را به حل جورچین تشبیه کرده است، اما علمی که مفروضات را به چالش می‌کشد و در واقع از چارچوب قبلی خارج می‌شود، علم دگرشی (انقلابی) یا یک الگوی انتقال^{۱۵} است. الگوی انتقال، تغییر آرام در روش‌شناسی یا تجربه است و غالباً به تغییری اساسی در تفکر و برنامه اطلاق می‌گردد که سرانجام روش اجرای پژوهش‌ها را تغییر می‌دهد. بر اساس ایده کوهن، یک انقلاب علمی زمانی شکل می‌گیرد که دانشمندان با منتقدانی مواجه می‌شوند که نمی‌توان به

فرهنگ به نسل‌های آینده، فرهنگ به‌مثابه منبعی برای تحقق توسعه پایدار شهری و در نهایت سرمایه‌گذاری بر روی فرهنگ به‌منظور تقویت مدل‌های پایدار و بدیع همکاری را مورد تأکید قرار می‌دهد (Hangzhou Declaration, 2013). سند نارا به‌اضافه ۲۰ که به‌مناسبت بیستمین سال تصویب سند نارا و بر اساس ارزیابی و آموختن از اقدامات عملی سند نارا در شناسایی و مدیریت سایت‌های میراثی در سال ۲۰۱۴ تدوین شد، از دیگر اسناد متأخر است که موضوع میراث در فرآیند توسعه را مورد توجه ویژه قرار می‌دهد؛ این سند، پنج محور کلیدی را خاطرنشان می‌سازد که عبارتند از: تنوع فرآیندهای میراثی، ارزیابی ارزش‌های فرهنگی، مشارکت نقش‌آفرینان چندگانه، چالش‌ها و تفاسیر، نقش میراث فرهنگی در توسعه پایدار (Nara+20, 2014). بیانیه فلورانس در سال ۲۰۱۴ پیرامون «میراث فرهنگی و منظر به‌عنوان ارزش‌های انسانی» نیز منظر را به‌عنوان یک زیستگاه فرهنگی، معرفی و مورد توجه قرار می‌دهد که توسعه پایدار در آن بایستی از طریق دانش سنتی و بومی و هم‌گام با حفاظت جامعه‌محور صورت پذیرد. توجه به حفاظت جامعه‌محور به دلیل احتمال وجود ارزش‌های متفاوتی است که جوامع نسبت به منظرهای فرهنگی و دیگر مکان‌های میراثی دارند. در این بیانیه، منظر به‌عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از میراث نامیده می‌شود که در آن فرهنگ و طبیعت در هم تنیده است که درس گرفتن از آن می‌تواند در از بین بردن تفکیک مصنوعی حفاظت و نوآوری کمک نماید (Florance Declaration, 2014).

مرور اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی مرتبط، نشانگر آن است که مفهوم مدیریت تغییر مبتنی بر اهمیت معنایی مکان، به‌عبارتی مجموع ارزش‌های ملموس و ناملموس میراث، مهم‌ترین مؤلفه در حفاظت و توسعه یکپارچه است. از آن جایی که سطح آگاهی و بازشناخت جوامع بومی نسبت به مفهوم اهمیت معنایی به‌عبارتی ارزش‌های مکان، متفاوت است و از سوی دیگر، مفهوم اهمیت معنایی نقش مؤثری در مدیریت و تعیین حدود تغییرات دارد، این احتمال وجود دارد که نتوان فرآیند مدیریت تغییرات را کاملاً برنامه‌ریزی نمود؛ لذا ضرورت تعریف یک الگوی انتقال در رویکرد حفاظت و توسعه، آشکار می‌گردد.

روش تحقیق

مقاله حاضر در پی پاسخ به چالش‌های احتمالی حاصل از کاربست رویکرد یکپارچه در حفاظت و توسعه منظر شهری تاریخی است. از این رو، روش تحقیق بر مبنای محتوای پرسش تحقیق و نیل به هدف، از نوع کیفی برگزیده می‌شود؛ شایان

سؤالات آنها در چارچوب الگوی مورد پذیرش عموم پاسخ داد. بر اساس مدل کوهن درباره الگو و الگوی تغییر و با نظر به ناکارآمدی الگوی فعلی رویکرد یکپارچه حفاظت و توسعه، در این مقاله الگوی فعلی حفاظت و توسعه - که خود حاصل تجربیات حفاظت و توسعه در سطح بین‌المللی است - به‌عنوان الگوی پایه مورد بررسی قرار می‌گیرد. مغایرت‌هایی که ذات متغیر شهر در رویکرد حفاظت و توسعه یکپارچه به‌وجود آورد، امروزه مشوق بازنگری در الگوی موجود و پدید آوردن الگویی نوین برای حفاظت و توسعه است. در این مقاله با مذاقه در رویکرد حفاظت و توسعه یکپارچه، تغییر چارچوب به سمت نگاهی کل‌نگر که قابلیت تعمیم به همه منظرهای شهری تاریخی با تمامی غنا و پیچیدگی‌شان داشته باشد، پیشنهاد می‌گردد؛ چارچوب پیشنهادی جدید در صورت محقق گردیدن، بر اساس مدل کوهن همان الگوی تغییر است.

جایگاه الگوی انتقال در رویکردهای حفاظت و توسعه

«در نیم قرن گذشته، حفاظت میراث شهری به‌عنوان بخش مهمی از سیاست‌های عمومی در سراسر جهان در آمده است. این پاسخی است به نیاز حفظ ارزش‌های مشترک و بهره‌مندی از مزایای ردپاهای تاریخی. با این حال، انتقال از تأکید ارجح بر آثار معماری به شناخت وسیع‌تر از اهمیت فرآیندهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در حفاظت ارزش‌های شهری، باید با کوشش برای انطباق سیاست‌های موجود با این چشم‌انداز و ایجاد ابزارهای جدید صورت پذیرد» (Recommendation on the Historic Urban Landscape, 2011: Annex).

سیر تحول نگاه به شهر در کنوانسیون‌ها، منشورها، اسناد بین‌المللی و نظریه‌ها زمینه‌ساز شکل‌گیری الگوی انتقال در حفاظت میراث شهری است؛ چنان‌که بر اساس مباحث مطروحه در نشست میراث جهانی سال ۲۰۰۲ م. با موضوع تسهیم میراث، مسئولیت مشترک و تجربیات عملی آن^{۱۶} این نتیجه حاصل آمد که میراث شهری، یک عنصر انسانی و اجتماعی و فرهنگی است و از تعریف گروه ساختمان‌ها فراتر است (Bandarin et al, 2005: 53). این الگوی انتقال در توصیه‌نامه زنگبار درباره منظر شهری تاریخی نیز مورد توجه قرار گرفته است: «این نشست، فرآیند مباحثات جاری درباره منظر شهری تاریخی و الگوی انتقال در حفاظت میراث شهری را خاطر نشان می‌سازد» (Zanzibar Recommendation, 2009). هم‌چنین یوکیلیتو خاطر نشان می‌سازد که تعریف شهر از حالت استاتیک به پویا و از متمرکز به غیرمتمرکز متحول شده است (Jukilehto, 2010: 50)؛ به عبارت دیگر، تعریف یکپارچه و جامع‌تری از شهر به‌دست آمده است. بر

اساس الگوی کوهن این تغییر نگاه در مرکز میراث جهانی یونسکو، یک الگوی انتقال است. به بیان دیگر، مذاقه در سیر تحول رخدادهای مرکز میراث جهانی یونسکو نمایانگر آن است که تغییر نگاه بنیادینی در این مرکز نسبت به شهر تاریخی و در پی آن حفاظت شهری رخ داده است که با نگرستن به آن از دریچه‌ی الگوی کوهن می‌توان این تغییر نگاه را الگوی انتقال نامید. از نمودهای اولیه تغییر دیدگاه پیرامون محیط شهری که در یادداشت وین ۲۰۰۵ م. طرح گردیده است، می‌توان به گسترش و بسط نگاه به بافت معمارانه شهرها فارغ از بُعد کالبدی و فیزیکی آنها از نقطه‌نظر منظر فرهنگی اشاره نمود. به‌علاوه، در نشستی که در سال ۲۰۰۶ م. در دانشگاه مونترال کانادا در راستای بررسی و بحث پیرامون یادداشت وین برگزار گردید، این سند به‌مثابه بهترین سند گذار و انتقال بر شمرده شد که از تغییر تدریجی به‌دور از دغدغه شهر تاریخی به‌مثابه عنصری بصری حمایت می‌کند و شهر تاریخی را به‌مثابه فضایی برای تجربیات انسانی و آیینی برمی‌شمرد (Bandarin et al, 2014: 180-181). از این رو، یادداشت وین را می‌توان سندی ارزشمند در راستای تبیین مفهوم الگوی انتقال در رویکردهای متأخر حفاظت شهری به‌شمار آورد. در ادامه، بیانیه ستول ۲۰۰۵ م. پیرامون میراث و کلان‌شهرها در آسیا و اقیانوسیه، تغییر به‌سوی دیدگاهی کل‌نگر و زمینه‌گرا که ایده‌ی منظر را به‌مثابه بستری برای زندگی مردم به‌گونه‌ای که حس تعلق به مکان را نیز شامل می‌گردد، مطرح می‌کند. بیانیه ستول و یادداشت وین، اسنادی کلیدی در تبیین تغییر و انتقال در تأکید به‌سوی درکی جامع از مکان‌های شهری به‌مثابه مکان‌هایی زنده و دارای هویت جمعی هستند که به‌مثابه زمینه‌ای گسترده، میراث را در خود جای داده‌اند. این اسناد بر اهمیت مفهوم بستر پیرامون سایت‌های میراثی صحه می‌گذارند و سهم بستر را در تبیین اهمیت معنایی پادمان‌ها و سایت‌های میراثی مورد توجه قرار می‌دهند. در ادامه، بیانیه ایکوموس شیان نیز پیرامون حفاظت از بستر ساختارها، مکان‌ها و نواحی میراثی بحث می‌کند (Bandarin et al, 2014: 182). اهمیت طراحی الگوی انتقال در ساختار حفاظت سنتی تا حدی است که نشست سالانه ایکوموس آی. اس. سی.^{۱۷} درباره «نظریه و فلسفه حفاظت و مرمت» از چهارم تا ششم مارس سال ۲۰۱۱ م. در فلورانس ایتالیا به موضوع «الگوی انتقال در محافظت میراث» پرداخت (Turner, 2012). موارد مطرح‌شده در این بخش، بیانگر نوعی تغییر و انتقال از مفهوم بناهای منفرد به‌سوی بستر و محیط پیرامونی میراث در بستر شهر تاریخی است. بررسی و تحلیل سیر تکامل مفهوم میراث آشکار می‌سازد که هر چه

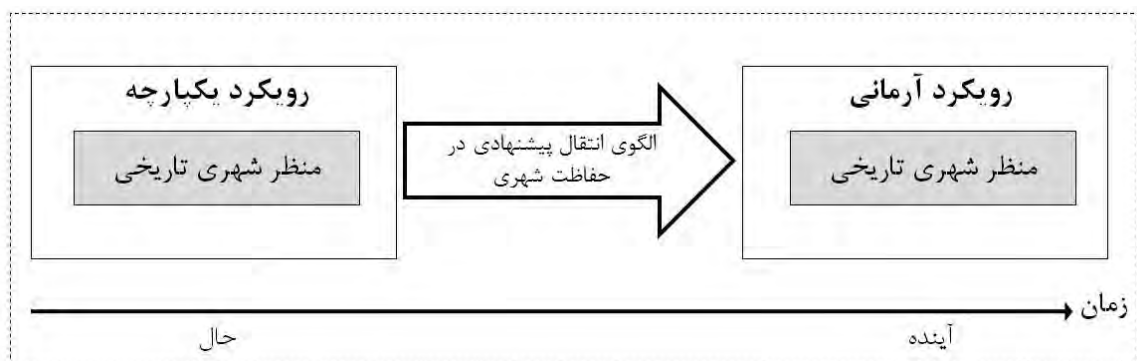
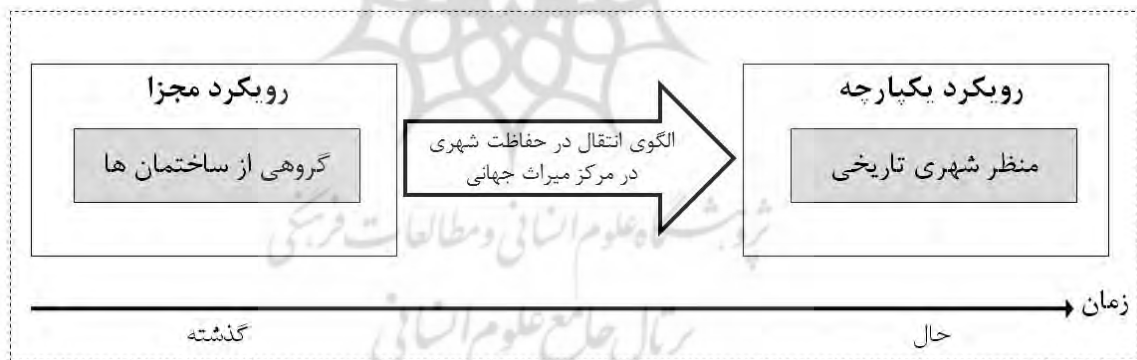
نگرفته است، منجر به تعیین خط‌مشی در حفاظت و توسعه منظر شهری تاریخی به‌گونه‌ای گردیده است که ضامن تداوم حیات منظر شهری تاریخی در فرآیندی پویا و انعطاف‌پذیر است. از این رو نیاز به الگوی انتقالی است که بتواند ضمن حفظ نقاط قوت رویکرد یکپارچه، نقاط ضعف آن را پوشش داده و به‌سوی رویکردی آرمانی که در آن حفاظت و توسعه به‌مثابه اقدامی یگانه و نه دو اقدام هم‌راستا و یکپارچه طرح می‌گردند، سوق داده شود (شکل ۲).

جمع‌بندی: سیر تحول رویکردهای حفاظت و توسعه میراث شهری

بر اساس مباحث مطروحه پیرامون مفهوم منظر شهری تاریخی و رویکرد متأخر حفاظت و توسعه یکپارچه مبتنی بر مفهوم مدیریت تغییرات، ضرورت کاربست الگوی انتقالی به‌منظور انتقال از رویکرد حفاظت و توسعه یکپارچه به‌سوی رویکرد آرمانی، این مقاله طرح گردید. از این رو، می‌توان سیر تحول و تکامل رویکردهای اصلی حفاظت و توسعه میراث شهری را در سه مرحله اصلی تقسیم‌بندی و تحلیل نمود: مرحله یک: حفاظت و توسعه به‌مثابه دو رویکرد مجزا؛ مرحله نخست از زمانی رخ داد که به‌دلیل پیشرفت‌های

مقیاس نگاه به میراث از خرد به کلان تغییر می‌یابد، از یک‌سو جنبه ناملموس از اهمیت بیشتری برخوردار می‌گردد و از دیگر سو تغییر و دگردیسی به‌عنوان بخشی از ماهیت اصالت میراث در کنار تداوم یک وضعیت ثابت، بیشتر مورد توجه و بحث قرار می‌گیرد (فدائی‌نژاد و عشرتی، ۱۳۹۳: ۸۵). تغییر نگاه به شهر از مجموعه‌ای از ساختمان‌ها به منظر شهری تاریخی، نشانگر توجه یکپارچه به لایه‌های متنوع و متعددی است که پیش از این در حفاظت، کمتر مورد توجه قرار گرفته بودند و همگی نشانگر نوعی تغییر و انتقال در مفاهیم متأخر حفاظت میراث شهری هستند (شکل‌های ۱ و ۳).

هر چند مدیریت تغییرات در حال حاضر، سیاست پیشرو در اقدامات حفاظت و توسعه یکپارچه برشمرده می‌شود لیکن تجربیات جهانی نشان می‌دهد که مدیریت تغییرات حتی در مواردی که با مشارکت حداکثری مردمان بومی در فرآیند یکپارچه حفاظت و توسعه صورت پذیرفته است، به‌دلیل غالب‌بودن نگرش حفاظتی و یا توسعه‌ای نتوانسته است مانع بروز اشتباه گردد. اگرچه نظریه‌های حفاظت در مرکز میراث جهانی یونسکو در پی تغییر پایدار در مناطق شهری هستند، اما از آن جا که هنوز رویکرد منظر شهری تاریخی به‌مثابه‌ی یک فرآیند کل‌نگر مورد بازشناخت همه‌جانبه قرار



تکنولوژی، امکان تسلط بشر بر طبیعت میسر گردید و میل به سلطه‌طلبی و زیاده‌خواهی، بشر را به سمت توسعه بی‌رویه و غالباً کلان مقیاس سوق داد. این توسعه که در پی خود از بین رفتن بخشی از میراث گذشتگان را به همراه داشت، به تدریج حساسیت و توجه اذهانی را برانگیخت که برای میراث گذشتگان ارزشی ویژه قائل بودند. هر چند فعالیت گروه حفاظت‌گران در مقابل گروه توسعه‌گران به محافظت بخشی از میراث فرهنگی در شهرهای تاریخی در مسیر توسعه منجر گردید، لیکن این بخش عموماً شامل ساختمان‌هایی مجزا بود تا شهر به‌مثابه یک کلیت پویا و زنده. برای نمونه در انگلستان به‌منظور حمایت از رویکرد حفاظت که عموماً متوجه ساختمان‌های تاریخی بود، نخستین ابزارهای قانونی به‌منظور حفاظت از میراث در دهه ۱۹۷۰م. شکل گرفتند. در این دوره، میراث به‌دلیل ارزش‌ها و ویژگی‌های ذاتیش موردحفاظت و نگهداری قرار می‌گرفت تا به‌واسطه اهمیت و نقش ویژه آن در توسعه‌های اجتماعی و اقتصادی شهر (Pendelbury et al, 2011: 350-353). به این ترتیب، رویکردهای حفاظت و توسعه به‌صورت موازی و عموماً بدون هماهنگی و سازگاری با یکدیگر و در نقطه مقابل هم‌عرضه گردیدند تا آن‌جا که می‌توان بر آن نام دو رویکرد مجزا نهاد؛ از این رو در دو رشته مجزا موردبررسی قرار می‌گرفته‌اند.

مرحله دو: رویکرد یکپارچه در حفاظت و توسعه؛ سیر تحول مفهوم حفاظت در گذر زمان نشان می‌دهد که «حفاظت از یک ویژگی و اقدام اولیه به‌منظور تقویت و نگهداری از ساختمان‌های منفرد تاریخی، به محرکه‌ای گسترده برای بازآفرینی شهری و توسعه اقتصادی مبدل گردیده است» (Delafons, 1997). به نقل از (Strange et al, 2003: 220) به‌طور کلی رویکرد یکپارچه را می‌توان در دو وجه اصلی موردبررسی قرار داد: وجه نخست؛ رویکرد یکپارچه در قلمرو میراث شهری به‌معنی یکپارچه و متعادل نمودن رویکردهای حفاظت و توسعه است، وجه دوم؛ بر یکپارچگی میراث فرهنگی و طبیعی تمرکز دارد. در واقع «در دهه ۱۹۹۰ م. به‌دنبال توسعه گردشگری، موضوع سازگاری توسعه فیزیکی و اقتصادی هم‌گام با حفاظت از ساختارهای تاریخی و توجه به موضوعات محیطی به‌صورت جدی موردتوجه قرار گرفت. رویکرد یکپارچه از این زمان است که به‌صورت جدی موردتوجه قرار می‌گیرد. از آن پس رویکردهای حفاظت و پایداری به هم‌گره می‌خورند و توسعه اقتصادی به‌عنوان مؤلفه‌ای مهم در هر دو رویکرد حفاظت و توسعه موردتأکید قرار می‌گیرد» (Pendelbury et al, 2011: 374). به‌بیان دیگر، حفاظت و توسعه یکپارچه، ترکیب حفاظت میراثی و توسعه شهری

را در یک مفهوم واحد امکان‌پذیر ساخته است. این دیدگاه جدید در رویکرد منظر شهری تاریخی نیز قابل‌بررسی است که هدف آن، توجه به برنامه‌ریزی ترکیبی توسعه شهری و فرآیند حفاظت میراثی است (Gabrielli, 2010: 23-25). «رویکرد منظر شهری تاریخی، چارچوبی جامع‌نگر و یکپارچه در زمینه سکونتگاه‌های انسانی و بستر آنها پدید آورده است» (Savannah Declaration, 2013) که تغییر نگاه از شهر به‌مثابه مجموعه‌ای از عناصر به‌کلیت در هم تافته در یک منظر را رقم زده است.

اهمیت این تغییر نگرش نسبت به میراث شهری تا حدی است که در «برنامه به‌سوی رویکرد یکپارچه در میراث فرهنگی اروپایی»^{۱۸} با این بیان که حفاظت به‌گونه‌ای فزاینده از محافظت مکان‌های مجزا به‌سمت محافظت و ارتقای یک کلیت در حال سوق یافتن است، موردتوجه قرار می‌گیرد (European Commission Communication, 2014: 5). این تغییر نگاه، معلول چالش‌هایی بود که حفاظت و توسعه مجزا پیش کشاند؛ چالش‌هایی که تا دیر زمانی شکست برنامه‌ریزی‌ها و طرح‌های حفاظتی را در پی داشتند. تجربه شکست‌های مکرر، این مهم را به اثبات رساند که حفاظت نمی‌تواند به توسعه نپردازد و توسعه بدون توجه به حفاظت در بسترهای واجد ارزش تاریخی، پایدار نخواهد بود. به این ترتیب رویکردهای حفاظتی و توسعه‌ای، تغییر و دگرگونی یافتند و به‌مثابه دو رویکرد مکمل موردتوجه قرار گرفتند. این رویکرد مکمل در فرآیند تکامل خود به تدریج وجوه مختلفی را در بر گرفته و تحت عنوان رویکرد یکپارچه شناخته شده و در حال پالایش است. در این رویکرد، حفاظت و توسعه، زمینه مطالعاتی بین‌رشته‌ای می‌یابد.

مرحله سه: رویکرد آرمانی؛ هر چند رویکرد متأخر حفاظت و توسعه یکپارچه در پوشش‌دادن ضعف‌های حفاظت و توسعه به‌صورت مجزا بسیار مؤثر بوده است اما با این حال نتوانسته است به‌طور زیربنایی راهکاری برای چالش‌های میان حفاظت و توسعه پیدا کند. تا آن‌جا که برخی صاحب‌نظران معتقدند تا کنون هیچ نظریه جامع حفاظت شهری یا منطقه‌ای تبیین نگردیده است که بتواند زیربنای فکری تدوین دستورالعمل انتقال و تغییر مکان‌های تاریخی را فراهم آورد. در عوض، تلاش‌های عملی زیادی شده که باید دوباره در مورد آنها دقت شود و در یک چارچوب عملی و انعطاف‌پذیر گنجانده شوند (Bandarin et al, 2012: 180).

این انعطاف‌پذیری در رویکرد منظر شهری تاریخی نسبت به شهر مشهود است. بر این اساس می‌توان شهر را پدیده‌ای انعطاف‌پذیر دانست که در فرآیندی پویا با عبور دادن تغییرات

تاریخی نه به‌عنوان یک محصول در موزه بزرگ شهر، بلکه به‌عنوان یک پدیده زاینده می‌تواند ادامه حیات یابد.

علاوه بر این، فیلتر خودپالایی که فرصت هر دخل و تصرفی در میراث را آزاد نمی‌گذارد، ضمانتی بر حفظ میراث برای نسل‌های آتی نیز است. لازم به ذکر است که این فیلتر چنان‌که در نام آن نیز آشکار است، در هر جامعه‌ای دارای ویژگی‌های خاصی است که تنها برای آن فرهنگ در آن خرداقلیم قابلیت کارکرد دارد؛ لذا یک فیلتر ثابت جهان‌شمول قابلیت تحقق ندارد؛ بلکه به‌تعداد جوامع بومی، فیلترهای فرهنگی وجود دارد. این درست منطبق با رویکرد متأخر سازمان‌های حفاظتی است که در جستجوی راهکارهای بومی به‌جای راهکارهای جهانی هستند.

هم‌چنین خاطر نشان می‌گردد که شرایط آرمانی - که سطح آگاهی عمومی به مرحله‌ای رسیده باشد که به شناختی درست از نوع و حدود تغییرات دست یابد - آرمان‌گرایی محسوب می‌گردد و دقیقاً به‌همین دلیل اصطلاح «آرمانی» برای نامیدن این رویکرد در این مقاله برگزیده شده است. این بدان معنا است که شرایط آرمانی در دنیای دو قطبی به‌طور کامل محقق نمی‌گردد، لذا رویکرد ارائه‌شده در این مقاله تحقق‌پذیری مطلق نخواهد یافت. از این رو است که این مقاله می‌کوشد راه را به‌سوی رویکرد آرمانی هموار سازد چون‌که خود رویکرد آرمانی شاید هرگز تحقق نیابد، زیرا سطح آگاهی عمومی به‌صورت همگانی به حد‌اعلائی خود احتمالاً هرگز نخواهد رسید. اما می‌توان در برنامه‌ریزی‌های مرتبط با مدیریت منظر شهری تاریخی تلاش نمود تا بالابردن سطح آگاهی عمومی به‌عنوان یکی از اصول، مدنظر قرار گیرد چون‌که بدون آگاهی عمومی، ضمانت اجرایی هر اقدام حفاظتی - توسعه‌ای خدشه‌دار می‌گردد و پایداری آن با علامت سؤال مواجه می‌شود. لیکن بالارفتن آگاهی عمومی به‌عنوان شرط لازم استراتژی‌های مدیریتی، زمینه را برای پایداری حفاظت و توسعه فراهم می‌آورد و همان‌طور که عنوان گردید، این مورد شرط لازم است اما کافی نیست، زیرا منظر شهری تاریخی، منظومه‌ای در هم تنیده از مؤلفه‌های پرشمار است که در نظر آوردن هر کدام در فرآیند مدیریت آن، شرط لازم پایداری آن فرآیند است.

این مقاله برای انتقال از رویکرد یکپارچه به رویکرد آرمانی، «فیلتر فرهنگی خودپالایی مردمان بومی» را با ویژگی‌های زیر پیشنهاد می‌نماید:

- فرهنگ مردمان بومی، مهم‌ترین فیلتر پذیرش یا رد تغییرات در منظر شهری تاریخی است.
- خودپالایی به این معنا است که سیستم پذیرش یا رد

از فیلتر خودپالایی فرهنگی مردمان بومی، در طول زمان آنها را پذیرفته و یا رد می‌کند. هر چند این فرآیند، فرآیندی زمان‌بر است اما راه را بر خطاهای احتمالی رویکرد حفاظت و توسعه یکپارچه می‌بندد. به‌بیان‌دیگر، شهر را می‌توان سامانه‌ای خودارزیابی‌کننده نامید که با عبور تغییرات از فیلتری خودپالا، خود را از درون در راستای درست کردن سامانه رصد می‌نماید. خودپالایی در این مقاله به فرآیند پالایشی اشاره دارد که به‌صورت درون‌سامانه‌ای صورت می‌پذیرد. با نظر به این‌که فرهنگ مردمان بومی، مهم‌ترین فیلتر پذیرش یا رد تغییرات در منظر شهری تاریخی است، بر این فیلتر می‌توان نام خودپالایی فرهنگی نهاد. این خودپالایی در شرایط آرمانی که سطح آگاهی عمومی به مرحله‌ای رسیده است که ضامن شناخت درست از تغییرات است، می‌تواند یکی از عوامل تضمین‌کننده پایداری محسوب گردد. این سطح از آگاهی فراتر از رویکردهای مشارکتی معاصر در حفاظت و توسعه یکپارچه است. از این رو رویکرد پیشنهادی در این مقاله که آرمانی نام گرفته است، رویکردی کل‌نگر است که حفاظت و توسعه را نه دو رشته مجزا و نه مقوله‌ای بین‌رشته‌ای بلکه رشته‌ای جامع می‌بیند که توسعه در مسیر حفاظت اتفاق می‌افتد و یا به‌بیان‌دیگر، توسعه، بخشی از فرآیند خودپالایی حفاظت است و حفاظت به‌واسطه توسعه تغییر می‌یابد و انعطاف‌پذیری خود را وام‌دار توسعه است. به این ترتیب، حفاظت به هدف نگهداشت فرآیندهای تولید محصولات و نه خود محصولات، راه را برای توسعه‌ای که به‌دلیل گذر از فیلتر خودپالایی فرهنگی که خود محصول شناخت جامع و نه پاره پاره از اکوسیستم است، باز می‌گذارد و از این رهگذر فرصت بروز خلاقیت نسل حاضر را فراهم آورده و حقوق انسان‌های این عصر را پاس می‌دارد. به‌بیان‌دیگر، حفاظت در رویکرد آرمانی صرفاً به‌دنبال حفظ محصولات پیشین که در قالب شهر تاریخی به امروز رسیده است، نیست؛ بلکه در پی آن است که چگونه شهر تاریخی در بستر طبیعی خود که فراتر از محدوده تاریخی شهر است و با در نظر آوردن تمامی بنیان‌های طبیعی خود می‌تواند برای زندگی امروز و نسل‌های آتی مورد استفاده پایدار قرار گیرد. به این ترتیب، رویکرد آرمانی، منظر شهری تاریخی را به‌مثابه متنی برای خوانش می‌یابد که با فرائت آن در یابد آن دسته از فرآیندهای طبیعی - فرهنگی که ماحصل آنها شهر تاریخی است، چگونه شکل گرفته و ادامه حیات یافته است تا بتواند با شناخت و تحلیل وجوه مختلف آنها، راه را برای حفظ فرآیندها بگشاید؛ چون‌که حفظ فرآیند به‌معنای آن است که محصولات دیگر نیز امکان بروز می‌یابند. این بدان معنا است که منظر شهری

مثبت انسان با طبیعت و دوم، سرافراز بیرون آمدن از فیلتر فرهنگی خودپالای مردمان بومی در گذر زمان؛ به این ترتیب، فیلتر فرهنگی خودپالای مردمان بومی فرصت بروز خلاقیت نسل حاضر را فراهم آورده است و حقوق انسان‌های این عصر را پاس می‌دارد.

پذیرش فیلتر فرهنگی خودپالای مردمان بومی به معنای پذیرش تغییر در منظر شهری تاریخی است؛ در عین حال، فرصت هر دخل و تصرفی در منظر شهری تاریخی را آزاد نمی‌گذارد و ضمانتی بر حفظ میراث برای نسل‌های آتی نیز است.

پذیرش فیلتر فرهنگی خودپالای مردمان بومی به معنای پذیرش اولویت نگاهداشت از فرآیندهای تولید محصولات بر خود محصولات است.

فیلتر فرهنگی خودپالای مردمان بومی، راه را برای توسعه‌ای که محصول شناخت جامع و نه پاره پاره از اکوسیستم است، باز می‌گذارد.

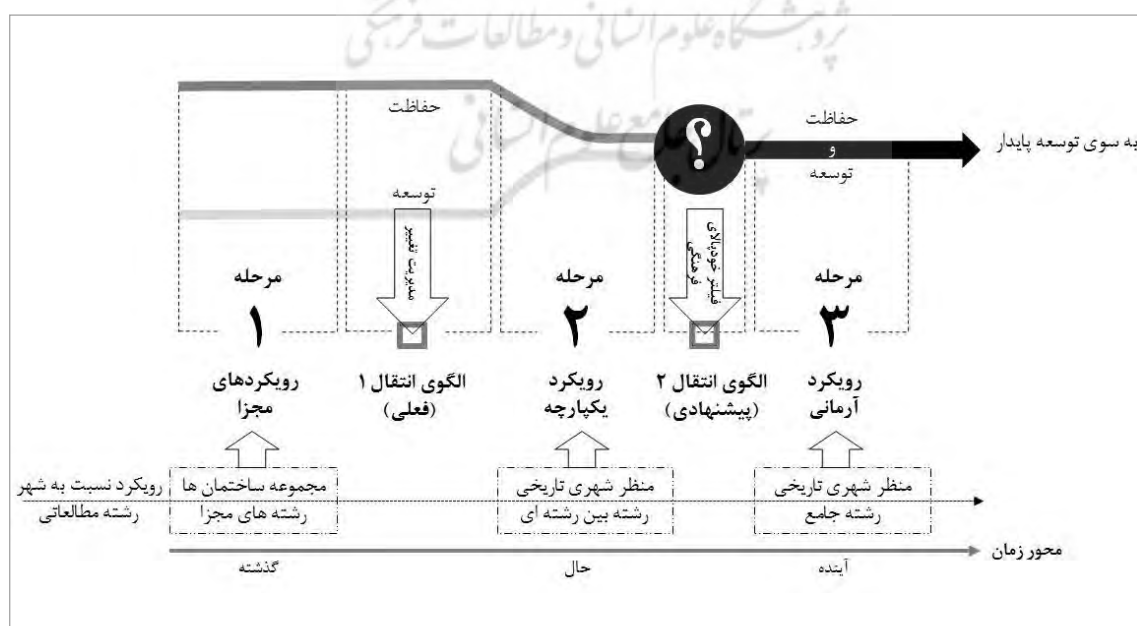
شکل ۳، سیر تحول رویکردهای حفاظت و توسعه و جایگاه الگوی انتقال پیشنهادی این مقاله را نشان می‌دهد.

تغییرات در گذر زمان از درون خود را موردپالایش قرار می‌دهد و کاستی‌های خود را برطرف می‌سازد و هم‌چنین خود را با شرایط جدید منطبق می‌سازد.

انعطاف‌پذیری، پویایی و فرآیندنگری، سه مؤلفه اصلی فیلتر فرهنگی خودپالای مردمان بومی است.

مؤلفه انعطاف‌پذیری به این معنا است که این فیلتر قابلیت سازگاری با شرایط مکانی و زمانی مختلف را دارا است و بر حسب شرایط، امکان تغییر برای رسیدن به پایدارترین پاسخ در رد یا پذیرش تغییرات را دارا است؛ فیلتر خودپالای مردمان بومی یک فیلتر ثابت نیست و تغییر، بخش ذاتی آن است؛ از این رو پویایی، شرط لازم انعطاف‌پذیری فیلتر است.

فرآیندنگری فیلتر به این معنا است که فیلتر فرهنگی خودپالای مردمان بومی، تداوم فرآیندهای تاریخی را ملاک عمل در پذیرش یا رد تغییرات جدید در منظر شهری تاریخی قرار می‌دهد و از این طریق فرصت را برای خلق منظرهای فرهنگی شهری جدید فراهم می‌سازد؛ منظر شهری خلق‌شده در صورت انطباق با دو شرط واجد ارزش حفاظت می‌گردد: نخست، منتج‌شدن از تعامل



شکل ۳. طرح‌واره سیر تحول رویکردهای حفاظت و توسعه و نقش الگوی انتقال پیشنهادی این مقاله در تکامل آن (نگارندگان)

نتیجه گیری

یافته‌های حاصل از مقاله حاضر نشان می‌دهد که چگونه رویکردهای مجزای حفاظت و توسعه در دهه‌های اخیر متحول و همگرا گردیده‌اند و به‌مثابه دو رویکرد مکمل و یکپارچه شناخته شده‌اند؛ هر چند که رویکرد متأخر حفاظت و توسعه یکپارچه مفهوم مدیریت تغییر مبتنی بر اهمیت معنایی مکان، سعی در برقراری تعادل میان رویکردهای حفاظت و توسعه دارد لکن به‌واسطه سطح متفاوت آگاهی و بازشناخت جوامع بومی نسبت به مفهوم اهمیت معنایی، تعیین حدود تغییرات، کاری بس دشوار می‌نماید؛ لذا بیم آن می‌رود که نتوان فرآیند مدیریت تغییرات را در قالب برنامه در آورد. از این رو دستاورد اصلی این مقاله، زمینه‌سازی به‌منظور تعریف الگوی انتقال مبتنی بر فیلتر خودپالای فرهنگی در انتقال از رویکرد متأخر حفاظت و توسعه یکپارچه به‌سوی رویکرد آرمانی است که به‌واسطه آن، حفاظت و توسعه به‌مثابه یک اقدام واحد در انطباق و سازگاری حداکثری خواهد بود. به‌نظر می‌رسد فیلتر خودپالایی با بهره‌گیری از ویژگی‌های فرهنگی مردمان بومی در کنار مفهوم مدیریت، تغییر نقش مؤثری در انتقال رویکرد یکپارچه به‌سوی رویکرد آرمانی خواهد داشت. بر این اساس، در صورتی امکان تحقق رویکرد آرمانی حفاظت و توسعه فراهم می‌گردد که مجموع اقدامات حفاظتی و توسعه‌ای با مدنظر قراردادن مفهوم اهمیت معنایی مکان در فرآیند مدیریت تغییرات و با عبور از فیلتر خودپالای فرهنگی مردمان بومی شکل بگیرند. اقدامات صورت گرفته بر این اساس در صورت سرفراز بیرون آمدن از فیلتر پالایش فرهنگی می‌تواند به خلق منظر جدیدی در شهر منجر گردد.

در ادامه پیشنهاد می‌گردد که الگوی انتقال ارائه‌شده در این مقاله در نمونه‌های موردی مختلف مورد بررسی قرار گیرد تا از خلال این بررسی‌ها تدقیق گردد. اهمیت پژوهش‌های آتی با توجه به لایه‌های مختلف ارزشی در منظرهای شهری تاریخی مختلف که تعبیر متفاوتی از مدیریت تغییر و هدایت آن مبتنی بر دانش مردمان بومی را فراهم می‌آورد، دو چندان می‌گردد. علاوه بر آن، در سطوح سیاست‌گذاری و تدوین آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های مدیریت شهری، بهره‌گیری از انعطاف و کل‌نگری این رویکرد می‌تواند با فراهم آوردن زمینه تأکید بر ارزش‌های ملموس و ناملموس، دانش مردمان بومی هر منطقه و حفاظت جامعه‌مدار را در تعیین حدود تغییرات به‌کار برد و آن را به‌عنوان شاخصی بنیادین در فرآیند برنامه‌ریزی و طراحی اسناد بالادست شهری معرفی سازد.

پی‌نوشت

1. Bandarin
 2. Van Oers
 3. World Heritage and Contemporary Architecture: Managing the Historic Urban Landscape
 4. Vienna Memorandum, 2005
 5. اطلاعات بیشتر در مورد کنفرانس وین رجوع کنید به: UNESCO World Heritage Centre and City of Vienna, (2005) Proceedings of the International Conference World Heritage and Contemporary Architecture – Managing the Historic Urban Landscape. Vienna: City of Vienna.
 6. برخی کنوانسیون‌های بین‌المللی در دهه‌ی اخیر و سند منتشره میراث انگلستان در سال ۲۰۰۸ م. به مفهوم مدیریت تغییر اشاره نموده‌اند، بر مبنای این مفهوم، انجام تغییرات و توسعه در محیط‌های تاریخی در صورتی مجاز است که:
 - الف- اطلاعات کافی پیرامون اثرات طرح‌های جدید بر «معنای فرهنگی» محیط تاریخی وجود داشته باشد؛
 - ب- ارزش‌های میراثی در تعارض با نوآوری قرار نمی‌گیرد؛ بداعت می‌تواند به خلق میراث برای آینده کمک کند.
 - ب- طرح‌های پیشنهادی در کل به ارزش‌های محیط تاریخی آسیب نرسانند و سبب تقویت و کشف بیشتر ارزش‌ها گردند؛
 - ب- ارزش‌ها می‌توانند محدودیت‌هایی را به‌منظور انجام تغییرات در محیط تاریخی فراهم آورند؛ محیط‌هایی که در اصل معنایشان را به‌واسطه یکپارچگی‌شان به‌دست آورده‌اند، ممکن است به‌واسطه مداخلاتی که اساساً ماهیت متفاوتی با آنها دارند صدمه ببینند.
- بدیهی است که مؤلفه‌های کیفیت طراحی، مواد و مصالح، جزئیات و نحوه اجرا در محیط‌های ارزشمند تاریخی، حیاتی هستند. از طرفی دیگر، مکان‌هایی با درجه اهمیت کمتر، فرصت‌های بیشتری را به‌منظور تولید میراثی برای آینده و به‌دنبال آن تولید



ارزش‌های جدید، عرضه می‌کنند، از این رو، این گونه مکان‌ها نیاز فراوانی به افزودن طرح و جزئیات با کیفیت دارند. هم‌چنین ویژگی‌های بالقوه آنها تنها هنگامی می‌تواند تحقق و بروز یابد که اقدامات جدید حاوی کیفیت‌هایی متناسب با ارزش‌های محیط تاریخی باشند (English Heritage, 2008).

7. Significance

۸. در چارچوب مفهومی، این سند «مدیریت پایدار محیط تاریخی» بر شش اصل زیر استوار است:
 - محیط‌های تاریخی منبعی مشترک برای استفاده همگان به‌شمار می‌آیند؛
 - همه اعضا و گروه‌ها باید بتوانند در نگهداری و حفاظت از محیط‌های تاریخی مشارکت کنند؛
 - درک «معنای فرهنگی» مکان تاریخی، یک ضرورت حیاتی و اساسی به‌شمار می‌آید.
 - مکان‌های معنادار باید به‌منظور نگهداری و تداوم ارزش‌های آنها مدیریت شوند.
 - تصمیمات و احکام پیرامون تغییرات در محیط‌های تاریخی باید مدلل و شفاف باشند.
 - بسترسازی و آموزش از تصمیمات ضروری هستند و آموختن از تجارب گذشته در این زمینه، امری ضروری به‌شمار می‌آید (Drury and Mc Pherson, 2007)

برای اطلاعات بیشتر ر.ک:

Drury, Paul & Mcpherson, Anna (2007) Conservation Principles, Policies and Guidance: For the Sustainable Management of the Historic Environment, English Heritage, London.

9. English Heritage; Conservation Principles: policies And Guidance for the sustainable management of historic environment, 2008.

10. English Heritage : Heritage area assessment : principles and practice, 2010.

11. English Heritage : Understanding place: Historic Area Assessments in a Planning and Development Context, 2010.

12. Thomas Kuhn

13. paradigm

14. normal

15. Paradigm Shift

۱۶. برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به:

UNESCO World Heritage Centre Paper 7 (2003) Cultural Landscape: the Challenges of Conservation, 2002, Shared Legacy, Common Responsibility, Associated Workshop, 11-12 November 2002, Ferrara, Italy, World Heritage Paper 7, Paris: UNESCO World Heritage Center.

17. ICOMOS ISC

18. Towards an Integrated Approach to Cultural Heritage for Europe, 2014

منابع و مأخذ

- ابویی، رضا و جعفری قوام آبادی، نسیم. (۱۳۹۳). نما، سیمای بافت تاریخی و منظر فضای عمومی در قوانین ملی، ضوابط و مقررات محلی و وظایف مدیریت شهری. نشریه علمی - پژوهشی انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، ۵(۸)، ۱-۱۶.
- حیدری، شاهین. (۱۳۹۳). درآمدی بر پژوهش معماری. چاپ اول، تهران: کتاب فکر نو.
- شاه‌تیموری، یلدا و مظاہریان، حامد. (۱۳۹۱). رهنمودهای طراحی برای ساختارهای جدید در زمینه تاریخی. نشریه علمی-پژوهشی هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی، ۱۷(۴)، ۲۹-۴۰.
- عشرتی، پرستو. (۱۳۹۱). توسعه چارچوب نظری مفهوم منظر فرهنگی با تأکید بر حفاظت منظر شهری تاریخی اصفهان. رساله دکتری رشته معماری. تهران، دانشگاه تهران، پردیس هنرهای زیبا.
- عشرتی، پرستو و فدائی‌نژاد، سمیه. (۱۳۹۴). منظر شهری تاریخی رویکردی نوین در مدیریت محدوده‌های واجد ارزش شهری. فصلنامه تخصصی معماری و شهرسازی آبادی، ۲۳(۷۴)، ۷۷-۷۰.
- فدائی‌نژاد، سمیه و عشرتی، پرستو. (۱۳۹۳). واکاوی مؤلفه‌های بازشناخت اصالت در حفاظت میراث فرهنگی. نشریه علمی-پژوهشی هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی، ۱۹(۴)، ۷۷-۸۶.



- کیانی ده کیانی، غلامرضا. (۱۳۹۴). حفاظت از منظر شهری تاریخی: بازیابی نظم حاکم بر سازمان فضایی شهر اصفهان با ابتدای بر هندسه راهها و فضاها باز در دوره صفوی. رساله دکتری رشته مرمت و احیای بناها و بافت‌های تاریخی. اصفهان، دانشگاه هنر اصفهان.
- گروت، لیندا و وانگ، دیوید. (۱۳۸۴). روش‌های تحقیق در معماری. ترجمه علیرضا عینی فر، چاپ سوم، تهران: دانشگاه تهران.
- مسعود، محمد و بیگزاده شهرکی، حمیدرضا. (۱۳۹۲). بناهای میان‌افزا در بافت‌های تاریخی (مبانی طراحی و معیارهای ارزیابی). چاپ اول، تهران: آذرخش.
- Application of HUL Approach in China (2012). **Application of the Historic Urban Landscape (HUL) Approach in China**, Developing a Road Map, Report of the Expert Meeting organized by the World Heritage Institute of Training and Research for Asia and the Pacific (WHITRAP), China: Shanghai, 12 to 13 October 2012, (Drafted by Ron van Oers).
- Bandarin, F. & Van Oers, R. (2005). World Heritage and Contemporary Architecture, Setting Standards for Management of the Historic Urban Landscape. **In World Heritage Review**, (41), October 2005, Paris: the United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization (UNESCO) and Madrid: Ediciones San Marcos, 52-55.
- Bandarin, F. & Van Oers, R. (2012). **The Historic Urban Landscape: Managing Heritage in an Urban Century**. USA: Blackwell Publishing Ltd.
- Bandarin, F. & Van Oers, R. (2014). **Reconnecting the city: The historic urban landscape approach and the future of urban heritage**, Australia: Blackwell Publishing Ltd.
- Burra Charter. (1999). **The Australia ICOMOS Charter for Places of Cultural Significance**. <http://australia.icomos.org/publications/charters/>. (Retrieved June 2010).
- Declaration of Jerusalem (2006). **New Approaches to Urban Conservation**, International Workshop on New Approaches to Urban Conservation, Jerusalem: Brigham Young University, 4- 6 June 2006.
- Declaration of Xi'an. (2005). **Conservation of the Setting of Heritage Structures, Sites and Areas, adopted in Xi'an, China by the 15th General Assembly of ICOMOS**. <http://international.icomos.org/xian2005/xian-declaration.htm>. (Retrieved April 2010).
- English Heritage. (2008). **Conservation Principles: Policies and Guidance for the Sustainable Management of the Historic Environment**. London: English Heritage.
- English Heritage. (2010 a). **Understanding place: Historic Area Assessments in a Planning and Development Context**. London: English Heritage.
- English Heritage. (2010 b). **Heritage area assessment: principles and practice**. London: English Heritage.
- European Commission Communication (2014). **Towards an Integrated Approach to Cultural Heritage for Europe**. adopted in Brussels, Belgium by the European Commission, 22.7.2014, COM (2014), http://ec.europa.eu/culture/library/publications/2014-heritage-communication_en.pdf (Retrieved August 2014).
- Floracne Declaration. (2014). **The Florance Declaration on Heritage as Human Values**. Italy: Florance.
- Gabrielli, B. (2010). Urban Planning Challenged by Historic Urban Landscape, in Van Oers, Ron;

- Haraguchi, Sachiko (ed.) **Managing Historic Cities**, World Heritage Paper 27, Paris: UNESCO World Heritage Center, 19–25, <http://whc.unesco.org/en/series/27/> (Retrieved: August 2014).
- Hangzhou Declaration. (2013). **The Hangzhou Declaration Placing Culture at the Heart of Sustainable Development Policies**. China: Hangzhou.
 - Jokilehto, J. (2010). Notes on the Definition and Safeguarding of HUL. **City & Time**, 4 (3), 41-51, [<http://www.ct.cecibr.org>].
 - Kuhn T.S. (1970). **The Structure of Scientific Revolutions**, Chicago: Chicago University Press.
 - Nara+20. (2014). **Nara+20 on Heritage Practices, Cultural Values and the concept of Authenticity**. Japan: Nara.
 - Pendlebury, J. & Strange, I. (2011). *Urban conservation and the shaping of the English city*. **Town Planning Review (TPR)**, 82(4), 361- 392.
 - Recommendation on the Historic Urban Landscape (2011). adopted by the General Conference at its 36th Session, Paris, 10 November 2011, Paris: UNESCO World Heritage Centre.
 - Regional Seminar on HUL in Central and Eastern Europe (2007) **Scientific and Technical Challenges for the Management and Conservation of Historic Centers of Town Inscribed on the World Heritage List for the Region of Central and Eastern Europe** , 29 January to 2 February 2007, Russia: St Petersburg.
 - Savannah Declaration. (2013). **Savannah Declaration on the Historic Center and the Next City**. USA: Georgia, Savannah.
 - Strange, I. & Whitney, D. (2003). The changing roles and purposes of heritage conservation in the UK. **Planning Practice and Research**, (2&3), 219- 229.
 - Turner, M. (2012). **The UNESCO Recommendation on the Historic Urban Landscape, in Quality Control and Conflict Management at World Heritage Sites**, Berlin: Federal Ministry of Transport, Building and Urban Development, 47- 57.
 - Van Oers, R. (2010). *Managing Cities and the Historic Urban Landscape Initiative – an Introduction*. **Managing Historic Cities**, In Van Oers, R. and Haraguchi, S. (Eds). Paris: UNESCO World Heritage Centre, 14.
 - Vienna Memorandum. (2005). **Vienna Memorandum World Heritage and Contemporary Architecture: Managing the Historic Urban Landscape**. Paris: UNESCO World Heritage Center.
 - Zanzibar Recommendation. (2009). **Zanzibar Recommendations on the Application of the Concept of the Historic Urban Landscape in the African Context**, Zanzibar 30 November-3 December 2009, Workshop on the application of the concept of the Historic Urban Landscape (HUL) in the African context, available at: <http://whc.unesco.org/en/events/613>.

Received: 2016/09/16

Accepted: 2017/06/25



Towards the Ideal Approach in Conservation and Development of Historic Urban landscape

Parastoo Eshrati* Somayeh Fadaei Nezhad**

Abstract

The challenge of preservation and development is one of the main challenges of the historical cities, which will have newer and wider aspects in parallel with the advancement of preservation knowledge and the extension of the related concepts. This paper seeks to answer the following questions; How the holistic approach of Historic Urban Landscape can be effective in solving the preservation and development challenge in non-historical cities? Can the current pattern of integrated preservation and development be accountable, or a model is required to be accountable for the void and weaknesses of the current model? For this purpose, first the Historic Urban Landscape concept, as a new approach in conservation of urban heritage, is analyzed. After that, the role of change management concept in integrated approach of conservation and development is determined and reveals the necessity for a paradigm shift in order to fix its shortcomings. Accordingly, the evolution process of conservation and development approaches is classified into two main steps, the separate approach and the integrated approach. Then, the Ideal Approach is introduced as a comprehensive approach that provides the possibility of balancing conservation and development approaches using the concept of change management and through the self-refining cultural filter of indigenous people. The proposed paradigm shift of this paper, by benefiting from the components of flexibility, dynamism and process-orienting, is formed in defining the self-refining cultural filter and paves the way for moving towards the Ideal Approach by which the conservation and development approaches would be like a single action with maximum compliance and compatibility.

Keywords: Historic Urban Landscape, Paradigm Shift, Conservation and Development, Change Management, the Self-Refining Cultural Filter

* Assistant Professor, School of Architecture, College of Fine Arts, University of Tehran, Tehran, Iran (Corresponding Author).

** Assistant Professor, Architectural Faculty, College of Fine Arts, University of Tehran, Tehran, Iran.